



روایت

فرشته سکوت کرد* دکتر سیامک شایان

این جمله دیالوگ آشنایی است که در تمامی مطب‌ها و درمانگاه‌های مناطق محروم و متوسط شهر، هر روز بارها و بارها، از زبان بیمارانی که از شدت درد دندان به ستوه آمده‌اند، شنیده می‌شود. اگرچه از تعداد دندان‌هایی که تنها به جرم بضاعت اندک صاحبانشان، هر روز در سطح کشور قربانی می‌شوند، آمار دقیقی در دست نیست اما بدون شک تمامی دندان‌پزشکان در این عقیده متفقند که آمار کشیدن دندان در بسیاری از مناطق کشور، با میانگین جهانی فاصله زیادی دارد اما چاره کار چیست؟ از یک سو بسیاری از این افراد توان پرداخت هزینه نگهداری دندان‌های پوسیده خود را ندارند، از سوی دیگر هنوز در بسیاری از مناطق کشورمان فرهنگ نگهداری دندان وجود ندارد و بسیاری معتقدند باید دندان‌های خراب و به عصب رسیده را هر چه زودتر کشید تا به فیض برخورداری از دندان عاریه نایل شد! تلاش دندان‌پزشکان نیز در توجیه بیمار برای نگهداری و رسیدگی به دندان‌ها امری عبث و بدون نتیجه است؛ چرا که جیب‌های خالی بیماران در همان اولین گام صورت مسئله را پاک می‌کند.

تنها نقطه امید، تقلیل هزینه‌های درمان به وسیله بخش دولتی یا شرکت‌های بیمه است اما امید اینکه وزارت ورشکسته‌های چون بهداشت و درمان در قبال سرنوشت انبوه دندان‌های پوسیده ایرانیان تن به قبول تعهد دهد، حتی برای یک لحظه هم متصور نیست؛ زیرا سیاست وزارتخانه در سال‌های اخیر، انتقال جزء به جزء به بار بهداشت و درمان بر دوش بخش خصوصی است. هر گاه از سوی وزارتخانه، بودجه‌ای در ایسن ردیف تخصیص می‌یابد، افراد بسیاری برای برخورداری از این بودجه در اولویت قرار دارند و اعتبار تخصیص یافته (مثلا به منظور اقدام‌های پیشگیرانه)، همانند گلوله برفی، در گرمای دهان کودکان آب می‌شود و عملاً هیچ بزرگسالی از آن خیری نمی‌برد؛ در چنین وضعیتی دیگر نباید از شرکت‌های بیمه‌گر انتظاری داشت؛ چرا که پا گذاشتن در این وادی به قمار می‌ماند که پیشاپیش نتیجه آن معلوم است. پس با انبوه دندان‌های پوسیده و لته‌های بیمار چه کنیم؟ پاسخ این سؤال روشن است: هیچ! تنها می‌توانید لحظه‌ای بر این مریه تأملی کنید و تأسفی بخورید و خواندن این ستون را به پایان برسانید و به مرور مطالب دیگر طبیب بردازید!

* عنوان رمانی از هاینریش بل



روزشمار پزشکی

- ۲۱ آذر: ۱۲ دسامبر ۱۸۴۰ میلادی، درگذشت روانپزشک فرانسوی ژان اتین دومینیک اسکیرون، از پیشگامان برخورد انسان دوستانه با بیماران روانی
- ۲۳ آذر: ۱۴ دسامبر ۱۹۱۴ میلادی، تولد سلولومون اشیپگلنم ژنتیک دان آمریکایی، او کشف کرد که تنها یکی از دو رشته مولکول DNA حاوی اطلاعات ژنتیکی بدن انسان است.
- ۲۴ آذر: ۱۵ دسامبر ۱۹۱۶ میلادی، تولد مانوریس هیوفردیک ویلکینز، دانشمند انگلیسی که توانست در سال ۱۹۶۲ میلادی در کنار واتسون و کریک، جایزه نوبل پزشکی و فیزیولوژی را ببرد.
- ۲۵ آذر: ۱۶ دسامبر ۱۹۲۹ میلادی، تولد بروس ناتان ایمز بیوشیمیدان آمریکایی و مبدع تست ایمز که برای تعیین مقدار سرطان زایی مواد شیمیایی به‌کار می‌رود.
- ۲۶ آذر: ۱۷ دسامبر ۱۹۱۷ میلادی، درگذشت الیزابت گرت اندرسون نخستین زنی که در انگلستان به طبابت پرداخت.
- ۲۷ آذر: ۱۸ دسامبر ۱۹۳۹ میلادی، تولد دانیل مازیا دانشمند آمریکایی که به خاطر تحقیقاتش درباره مکانیسم تقسیم سلولی شهرت دارد.
- ۲۸ آذر: ۱۹ دسامبر ۱۸۰۹ میلادی، تولد پیرژوزف وان بندل انگل شناس بلژیکی که برای بار نخست چرخه زندگی کرم‌های نوری را شرح داد.
- ۲۹ آذر: ۲۰ دسامبر ۱۵۹۰ میلادی، درگذشت امروازپار جراح فرانسوی و یکی از مشهورترین جراحان اروپا در دوره رنسانس
- ۳۰ آذر: ۲۱ دسامبر ۱۹۵۶ میلادی، درگذشت لوئیس مدیسون ترمن، روان‌شناس آمریکایی و کامل‌کننده تست هوش بینه و سلون.

فتح بهشت!

ایمان کشاورز



در یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور، تقاضای انتقال به یکی از دانشگاه‌های داخلی بدهید. تعجب نکنید، می‌توانید پس از طی ۴ نیم سال، دانشجوی دانشگاه تهران باشید و در کلاس کنار شاگرد اول کشور سراسری بنشینید. اگر به صحت این ادعا شک دارید، همین امروز سری به دانشگاه‌های تهران بزنید و نمونه‌های فراوانی را از این افراد مشاهده کنید!

مسیر چهارم:

اگر دل نازکی دارید و توانایی رویارویی با غول پرهاترینی را در خود نمی‌بینید، راهکار دیگری پیش پایتان می‌گذاریم. چند سالی بیشتر در خارج تشریف داشته باشید و تخصصتان را هم همان جا بگیرید. سپس

به کشور مراجعت کنید و مدرک پزشکی عمومی خود را تأیید شده بیاید و با توجه به دانشگاه و کنسوری که در آن تحصیل کرده‌اید، در امتحان جایابی شرکت کنید. البته اگر میلان نکشید می‌توانید در این امتحان هم شرکت نکنید! اما باید دوباره کسوت رزیدنت سال اول را بر تن کنید و دوباره تحصیل را در یکی از دانشگاه‌های داخلی دنبال کنید. در حالت اخیر نیز شما همکار و هم کلاس شاگرد اول رزیدنتی در رشته لوکس هستید.

جالب اینکه کل این روند تنها هشت سال طول می‌کشد و هم‌زمان با پایان تحصیلات دوست زحمت‌کش شما در مقطع پزشکی عمومی است و شما به تخصص خود رسیده‌اید!

مسیر پنجم:

حتی اگر پزشکی عمومی را در یکی از دانشگاه‌های داخل گذرانده‌اید، می‌توانید دوره دو ساله تخصص را در یکی از کشورهای فوق دنبال کنید، سپس به کشور بازگشته و «مسیر چهارم» را تا اخذ مدرک تخصص در ایران طی کنید. پس از بازگشت به کشور نیز شما نیازی به گذراندن طرح ندارید.

مسیر ششم:

حتی اگر هر کدام از مسیرهای بالا را برای پیمودن انتخاب کرده باشید، مطمئن باشید باز هم از شما افراد زرتنگ‌تری وجود دارند. کسانی که با داشتن یک پیش عمیق و مشاهده وضعیت اسفناز انبوه پزشکان متخصص و عمومی بیکار، رشته دندان‌پزشکی را برای تحصیل انتخاب کرده‌اند؛ چرا که پس از بازگشت به کشور نیازی به گذراندن امتحان پرهاترینی هم ندارند، زیرا چنین امتحانی در رشته دندان‌پزشکی وجود ندارد! تنها باید در آزمونی به نام «جایابی» شرکت کنید و با گذراندن تعداد محدودی واحد درسی، دندان‌پزشک شوید!

مسیر هفتم:

اگر شما علاقه‌ای به شرکت در هیچ آزمونی و کنکوری ندارید، می‌توانید کمی سسر کبسه را شسل کنید؛ این ترتیب که در یکی از دانشگاه‌های به اصطلاح معتبری به تحصیل بپردازید که مدرکشان مورد تأیید وزارتخانه است. در این صورت هیچ نیازی به طی دوره تکمیلی تخصص در داخل هم ندارید اما فراموش نکنید که شهریه این دانشگاه‌ها اندکی بیشتر از مدل‌های قبلی است. پس از مرور تمامی این مسیرها، حالا به این سؤال پاسخ بدهید که شما از کدام دسته افراد فوق هستید؟ همان‌ها که عمرشان را پشت درهای کنکور سراسری، آزمون جامع علوم پایه، امتحان پرهاترینی، ورودی تخصص، سالیانه ارتقا و پسره خورد به هدر داده‌اند یا از افراد زرتنگ‌تری که معتقدند برای تمام مسیرها، راه میان‌بری هم هست؟ نگارنده شاهد حضور بسیاری از این افراد در اداره کل دانش‌آموختگان خارج از کشور وزارت بهداشت بوده است. افرادی که هیچ شباهتی به یک پزشک یا دندان‌پزشک ندارند و در میان آنان از هر صنف و شغلی اعم از راننده تریلی تا تاجر کشمش دیده می‌شود! جالب آنکه در برخی رشته‌ها که کل پذیرش داخل کشور از ۳۰ نفر تجاوز نمی‌کند، تنها در یکی از این کشورها بیشتر از ۱۳۰ ایرانی مشغول تحصیل رشته تخصصی مذکور با یکی از شرایطی هستند که در بالا مرور کردیم!



پیشرو

مرتضی جلالی فخر

من یک پزشک و یک زن هستم

حتی تصور کردنش هم سخت است و گاهی وقت‌ها مثل داستان‌های باورنکردنی می‌شود، این که یک زن مجبور باشد ساعت‌ها گفتگو کند تا فقط ثابت کند که آنها هم می‌توانند حق ادامه تحصیل داشته باشند. داستان مربوط به اوایل تاریخ بشر نیست بلکه درست بر می‌گردد به سال ۱۸۷۲. آن موقع «الیزابت گرت اندرسون» نشسته بود جلوی پنخ مرد و سعی داشت آنها را توجیه کند که اگر زن‌ها یک بار در ماه قاعده می‌شوند هیچ تأثیری بر توانایی آنها برای ادامه تحصیلات در سطوح بالاتر ندارد.

آن موقع درست ۳۶ سالش بود. او یکی از دوازده فرزند خانواده اندرسون بود. تا ۵ سالگی او، پدر و مادرش آهی در بساط نداشتند اما بعد از آن یکی از کارهای پدرش که تا آن موقع یک دوره‌گرد معمولی بود حسابی گرفت و آنها پول‌دار شدند. به همین دلیل بود که همه‌شان توانستند به سراغ تحصیل بروند. گرچه بر اساس قوانین بریتانیا برای دخترهای خانواده امکان ادامه تحصیل در سطوح بالاتر وجود نداشت اما یکی از همین دخترها بود که همه چیز را تغییر داد. در سال ۱۸۵۹ الیزابت گرت توانست با الیزابت بلک ول، پزشک و از فعالان حمایت از حقوق زنان، ملاقات کند. بعد از آن بود که با اصرار زیاد توانست پدرش را قانع کند تا از او برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی حمایت کند. گرچه حمایت پدرش هم زیاد در پیشرفت کارها مؤثر نبود. هیچ کدام از مراکز آموزش پزشکی او را به عنوان دانشجو نپذیرفتند. مجبور شد تا به عنوان دانشجوی تکنسینی اتاق عمل در یکی از دندان‌پزشک‌ها ثبت نام کند و به طور پنهانی درس‌هایی را که برای مردها داده می‌شد گوش کند. وقتی که مسئولین مؤسسه متوجه این قضیه شدند او را از نزدیک شدن به کلاس درس منع کردند و در امتحان پایسان دوره با وجود این که به همه سؤالات پاسخ داد، ردش کردند. الیزابت گرت بعد از این به مؤسسات آموزش داروسازی رفت. بعد از این که کارشکنی‌های زیادی را از سر گذراند، توانست در ۱۸۶۶ جواز داروخانه‌اش را بگیرد و در همان سال داروخانه‌اش را که به قیمت بسیار پایین به کودکان و زنان فقیر دارو می‌داد، در لندن تأسیس کرد اما این هم او را قانع نکرد و در سال ۱۸۷۰ بعد از این که فرانسه را به طور کامل آموخت توانست در امتحان دانشگاه سوربون قبول شود و اولین زن انگلیسی باشد که مدرک پزشکی‌اش را می‌گیرد. گرت دو سال بعد از ازدواجش یعنی درست در سال ۱۸۷۳ توانست به عضویت جامعه پزشکان انگلستان در بیاید. یک سال قبل از این الیزابت گرت داروخانه‌اش را توسعه داد و آن را تبدیل به بیمارستان کرد. بیمارستانی که یک سال بعد از مرگش در ۱۷ دسامبر ۱۹۱۷ میلادی، به نام او نام‌گذاری شد.

غیر از ایسن الیزابت گرت در کنار خواهرش سال‌ها برای دادن حق رأی به زنان در انگلستان مبارزه کرد و توانست به عنوان اولین شهردار زن انگلستان انتخاب شود. گرچه یک سال بیشتر دوام نیاورد و در اثر فشارهای زیاد ناچار به استعفا شد.



کارمیدیکاتور

این روزها آنقدر متخصصین تغذیه تبلیغ می‌کنند که حتی دختر بچه‌های دو سه ساله هم موقع خاله بازی دیگه به عروسک‌های خپلشان غذا نمی‌دهند تا همه شان مثل دارا و سارا بشوند.

خوب بگو ببینم چطور شد مسموم شدی؟
قرص اعصاب خوردم.
چرا؟ با ۵ تا قرص می‌خواستی خودکشی کنی؟ یا اینکه می‌خواستی جلوی خانواده ات نقش بازی کنی و توجه شان را جلب کنی؟
نه. واقعا می‌خواستم خودکشی کنم. چند وقتی است به این نتیجه رسیدم که این زندگی هیچ ارزشی نداره. دیگه از هیچی لذت نمی‌بردم. دلم از همه گرفته بود. احساس می‌کردم یک موجود اضافی هستم. واسه همین رفتم داروخانه و صدتا از این قرص‌های اعصاب گرفتم و یکی یکی شروع کردم به خوردن تا بهمیرم ولی ۵-۴ تاشو که خوردم کم کم احساس کردم که دلم می‌خواد زندگی کنم. واسه همین دویدم اوادم اینجا.

فروش ویژه سال ۱۳۸۵

هاکوپیان در سراسر ایران

تخفیف ۲۰٪ فقط آذر ماه

مجموعه پاییزی و زمستانی با صدها طرح و رنگ
پالتو، بارانی، اورکت، کاپشن، پلیور، کت تک اسپرت و ...

جهت اطلاع از آدرس و تلفن فروشگاه‌ها، ساعت کار و قیمت اجناس، تلفن گویای ۸۸۴۳۴۱۲ - ۰۲۱ پاسخگوست

WWW.HACOUPIAN.NET

قابل توجه شرکت کنندگان در امتحانات USMLE

کتابهای اصله کاپلان

فروش با ۳۰٪ تخفیف

نیمه‌ساله

STEP I ۲۳ عدد ۳۹۵ هزار تومان

STEP II ۹ عدد ۳۹۵ هزار تومان

STEP III ۵ عدد ۱۹۵ هزار تومان

۸۸۳۲۹۰۹۰